



مجازات های جایگزین اعدام

پدیدآورنده (ها) : دوستی، مسلم

میان رشته ای :: نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی :: تابستان ۱۳۹۵، دوره دوم - شماره ۵

صفحات : از ۹۵ تا ۱۰۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1164877>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۴/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تقلیل گرایی نسبت به مجازات های سالب حیات در حقوق کیفری ایران
- مجازات اعدام بر اساس کنفرانس بین المللی سیراکیز (ایتالیا)
- کارکرد بازدارندگی مجازات اعدام
- جایگاه جایگزین های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)
- منع مجازات اعدام تعزیری در فقه امامیه
- بررسی ممنوعیت کیفر بدنی اعدام از دیدگاه بین المللی و تأثیر آن بر قانون جزا مصوب ۹۲
- اعتبار اسناد عادی در مقابل اسناد رسمی
- بررسی تطبیقی مجازات های جایگزین در کشورهای جهان (۳)
- آثار بقای حیات در مجازات های سالب حیات در فقه امامیه و حقوق کیفری
- واکاوی مستندات فقهی اعدام تعزیری
- کاوشی نو در مجازات اعدام
- جایگاه مجازات اعدام در حقوق بشر اسلام و غرب

عناوین مشابه

- مروری بر مجازات های جایگزین حبس با تأکید بر خدمات عام المنفعه
- بررسی کیفری مجازات های جایگزین حبس
- تحلیل مجازات های جایگزین حبس در نگاه قانون گذار
- تأملی بر لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان
- بررسی دیدگاه ها و نظرات مردم درباره زندان زدایی (استفاده از مجازات های جایگزین زندان)
- مجازات های جایگزین زندان برای اطفال بزهکار در اروپا (کاهش مدت زمان میان ارتکاب جرم و پاسخ قضایی)
- چالش های مجازات های جایگزین حبس در سیاست جنایی ایران در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی
- حقوق جزا: مطالعه و عملیاتی سازی جایگزین های مجازات حبس با هدف زندان زدایی
- نگاهی به تعلیق مجازات به عنوان یکی از جایگزین های حبس
- زنان زندانی و جایگزین های مجازات حبس؛ ضرورتی مغفول (۲)

مجازات‌های جایگزین اعدام

مسلم دوستی (کارشناسی ارشد حقوق عمومی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز)

چکیده

مجازات اعدام در اعصار و ادیان و اقوام مختلف اعمال می شده است و این مجازات ابزاری کیفری در دست حکمرانان و فرمانروایان در طی سالیان به شمار می رفته و حتی تا چند دهه اخیر، اعمال آن با شکنجه های فراوانی همراه بوده است. با گذشت زمان، اعتراضات و مخالفت‌هایی از سوی اندیشمندان و متفکران به نحوه اعمال این مجازات و خود مجازات اعدام به عمل آمد. با وجود مخالفت‌هایی که با نظریات العاگران انجام شد، به تدریج از اعمال مجازات اعدام کاسته و اقداماتی جهانی در جهت لغو این مجازات از قبیل تصویب پروتکل و کنواسیون های مختلف در مخالفت با مجازات اعدام به عمل آمد. بعد از جنگ جهانی دوم حقوق بشر من جمله حق حیات بسیار مورد توجه قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: اعدام، مجازات جایگزین، کیفر، مجازات



مقدمه

نقض وحشتناک حقوق انسانها در دوران اخیر و جنایات و فجایع ضد بشری دروان جنگ، گروهی را بر این باور قرار داد که اگر یک نظام مؤثر حمایت از حقوق بشر در جامعه ملل وجود داشت، ممکن بود این گونه نقض حقوق انسانی و احتمالاً خود جنگ رخ ندهد. بنابراین در همان اواسط جنگ، مسأله توجه بین المللی به مسایل حقوق بشری مطرح شد. بنابراین در پایان جنگ جهانی دوم در ژوئن ۱۹۴۵ کنفرانس سانفرانسیسکو آمریکا برای بحث پیرامون تشکیل سازمان ملل متحد صورت پذیرفت و در پایان آن، منشور ملل متحد که بر مبنای آن سازمان ملل ایجاد شد، به امضاء رسید. مقاصد و اهداف منشور ملل متحد پیشبرد و تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب می باشد. وظیفه ارتقاء حقوق بشر سازمان ملل بر عهده مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی گذاشته شده است. سازمان ملل متحد اولین بار با تصویب قطعنامه ۲۸۵۷ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ خواستار لغو مجازات اعدام شد. در این قطعنامه آمده است "برای تضمین کامل حق حیات - که ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است - لازم است که به صورت تدریجی از تعداد جرایم مشمول مجازات اعدام کاسته شده و الغای این مجازات به عنوان هدف نهایی در تمامی کشورها دنبال شود." این قطعنامه در همان سال توسط قطعنامه ۱۷۵۴ شورای اقتصادی و اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت. پس از این تاریخ سازمان ملل از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی - که هر پنج سال یک بار گزارشی را در خصوص مجازات اعدام، از دبیر کل دریافت می کند - در جریان پیشرفت امور قرار می گیرد. این شورا در ۲۵ می ۱۹۸۴ قطعنامه ای (با شماره ۱۹۸۴/۵) را تصویب نموده که در آن تضمینات لازم برای حمایت از حقوق محکومان به اعدام ذکر شده است. شورای اقتصادی و اجتماعی در این زمینه با کمیسیون حقوق بشر نیز همکاری می کند و کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۲۰۰۳/۶۷ از دبیر کل خواسته است تا علاوه بر گزارش پنج ساله خود یک گزارش تکمیلی (در مورد مجازات اعدام) نیز به این کمیسیون ارائه دهد. تعهد دولتهای عضو سازمان ملل به همکاری با سازمان در ارتقای حقوق بشر، طبق منشور این اختیار قانونی و امکان و فرصت را به سازمان ملل داد که تلاش وسیعی برای تعریف و تدوین این حقوق بنماید. این تلاش ها منجر به تصویب منشور بین المللی حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل های الحاقی آن) و تعداد زیادی اسناد بین المللی حقوق بشر گردید (حسین مهرپور، ۱۳۷۷: ۴۰-۴۲).

بنابراین بسیاری از کشورهای تحت تأثیر افکار القا کننده اعدام به الغای این مجازات در کشور خود پرداختن و همچنین تحت تأثیر تلاش های گسترده سازمان های بین المللی از اعمال این مجازات کاسته و استفاده از مجازات های جایگزین همانند تبعید، حبس ابد، بیشتر گردید.

طرح مسئله

کیفر مرگ با پیشینه ای به درازای تاریخ بشر، بنیادترین ارزش آدمی یعنی حیات اجتماعی او را نشانه می رود؛ از اینرو سنگین ترین مجازات بشری در تاریخ کیفری بشمار می رود. مجازات مرگ و حذف فیزیکی امکان حیات یک واحد انسانی از اعضای جامعه، از شیوه های کهن مجازات در دنیای سنتی و سده های باستان زندگی اجتماعی است. مجازات ها از نظر جامعه شناسی جنایی و جرم شناسی برای ترمیم یا جبران آسیب هایی است که از سوی فرد مجرم

به جامعه و یا فرد و افرادی از جامعه وارد شده است. و مجازات اعدام به عنوان مجازات تنبیهی و جبرانی روان بستگان مقتول و یا جبران روانی برای جامعه آسیب دیده است (وارسته، ۱۳۹۰: ۱۳).

در نگاهی به کشورهای جهان آشکار می‌گردد که تعداد کمی از کشورها از قبیل کارائیب انگلیسی زبان و کشورهای اسلامی به اعمال اعدام ادامه می‌دهند. در قاره آسیا نیز چین و ایران در سطح گسترده ای این مجازات را اعمال می‌کنند و به نظر می‌رسد که اهداف اسناد جهانی و منطقه ای که محدودیت و لغو نهایی مجازات اعدام در همه کشورها و مناطق جهان می‌باشد، تا حدود زیادی محقق شده است. با توجه به این که بسیاری از کشورها، اعدام را از قوانین خود به صورت عملی یا قانونی حذف نموده اند و در این راستا به اسناد بین المللی و علی الخصوص اسناد منطقه ای نیز پیوسته اند، وجود سند بین المللی که به الفا مجازات اعدام در همه زمان ها بدون هیچ گونه شرطی پردازد و در ضمن دارای مجازات جایگزین باشد، ضروری به نظر می‌رسد. هر چند که اسناد بین المللی و منطقه ای در جهت محدودیت و الفا مجازات اعدام به پیشرفت های قابل ملاحظه ای دست یافته اند، ولی در اسناد جهانی مجازات جایگزینی برای اعدام در نظر گرفته نشده است. علت این امر شاید وجود نظام های قضایی متفاوت در کشورهای جهان می‌باشد. در راستای حل این مشکل بهتر می‌بود که حداقل اسناد منطقه ای با توجه به نظام های حقوقی موجود در هر منطقه ای، مجازات های جایگزینی در نظر بگیرند و کشورهای عضو نیز یکی از آنها را بنابر نظام قضایی خود انتخاب نمایند.

بلافاصله پس از پذیرش الغاء مجازات اعدام در کشورها، مسأله دستیابی به مجازات جایگزین مناسبی به جای آن مورد توجه حقوقدانان و قانون گذاران کشورهای مختلف قرار گرفت. مجازاتی که در عین حالی که آثار اعدام را تأمین می‌نماید. با اهداف جدید حقوق کیفری نیز مطابقت نماید. البته این مسأله فقط به چند دهه اخیر مربوط نمی‌باشد، زیرا در زمان افلاطون نیز وی به این مسأله اشاره نموده و در مورد مجرمین غیر قابل اصلاح که معمولاً اعدام را برای آنها تجویز می‌کردند. معتقد بود که باید برای این گروه از مجرمین نیز زندانی ساخته شود، منتهی زندان آنها باید در محل دور افتاده برپا شده و به نحوی ساخته شود که از اسم آن دریافت که مکان عذاب و مشقت است (محسنی، شماره ۱۱ و ۱۲، خرداد ۱۳۵۴: ۱۵۳).

به هنگام بحث از مجازات‌های جایگزین باید دو گروه را از هم متمایز نمود. گروهی به سرگردگی بکار یا آنهایی هستند که طرفدار اصالت بشر نبوده، بلکه فایده گرایی هستند که در جستجوی مؤثرترین راه حل ها برای تهدید بزهکاری می‌باشند. اینان در عین حالی که با مجازات اعدام به مخالفت می‌پردازند، خصوصیات ارعابی مجازات‌ها را قبول داشته و سعی می‌نمایند مجازاتی را به جای اعدام پیشنهاد نمایند که نظیر ایجاد رعب و وحشت در مجرمین بالقوه همانند اعدام عمل نماید و واجد نفع و فایده ای برای جامعه باشد. در همین زمینه بکار یا می‌نویسد: "آنچه مردمان را از ارتکاب جرم باز می‌دارد نمایش موحش ولی زود گذر مرگ یک تبهکار نیست، بلکه نمونه ممتد و مستمر انسانی است محروم از آزادی که همچون حیوانی بارکش زیان جامعه را با تحمل بار گران جبران می‌کند." (سزاربکار یا، ۱۳۸۰: ۷۲).

ولتر نیز در همین خصوص می نویسد: "به جای اعدام و نابود افراد بهتر آن است که آنان را بصورت دائم محبوس نموده و به کار گیریم. زیرا انسانی که به دار آویخته شه بدرد هیچ چیزی نمی خورد." (مظلومان، شماره ۱۳۱: ۶۶). لذا می بینیم مجازات هایی که این گروه به جای اعدام پیشنهاد می نماید عبارتند از: حبس دائم با اعمال شاقه، حبس دائم، تبعید و غیره.

اما گروه دوم کسانی هستند که بدلیل مخالفت اعدام با احترام به شأن و مقام والای انسانیت و همچنین مبنایت آن با اهداف اصلی حقوق جزا، آن را نفی می نمایند همانند طرفداران مکتب دفاع اجتماعی نوین به سرگردگی «مارک آنسل» لذا اینان به جای کیفر مرگ مجازاتی پیشنهاد می نمایند، که در عین حالی که حیثیت و شرافت انسانی را لگدکوب نمی کند، امکان معالجه و درمان مجرم را که بسیار اجتماعی است، نیز فراهم می آورد، به همین دلیل مجازات جایگزین آنها نیز حبس می باشد. اما مدت آن را تعیین نمی نمایند. زیرا معتقدند که هرگاه جامعه احساس نمود مجرم کاملاً اصلاح شده و خطری برای آن نخواهد داشت، ضرورتی ندارد که همچنان وی را در زندان نگاه دارد. می بینیم که در نهایت مهمترین مجازاتی که به عنوان مجازات جایگزین اعدام مطرح می گردد، مجازات حبس می باشد.

اما مخالفت شدیدی از طرف حامیان اعدام با این مجازات صورت گرفته است، با این استدلال که اعدام یک جانی خطرناک، برای همیشه جامعه را از جنایتهایی که وی احتمالاً در آینده در اثر فرار از زندان در نتیجه شورشها یا انقلابات و یا برخورداری از عفو و آزادی مشروط، انجام می دهد یا حتی جنایاتی که در داخل زندان نسبت به زندانیان مرتکب می شود، مصون نگه می دارد. اما این استدلال سست ترین و ساده ترین دلیلی می تواند باشد که در رد مجازات حبس به عنوان جایگزین اعدام عنوان می شود. زیرا اولاً کسانی که چنین استدلالی می کنند به چنین مصداق خارجی که شاید در کل دنیا انگشت شمار باشد اشاره می نمایند، که به هیچ عنوان قابل استناد نمی باشد، ثانیاً: اینکه قبول چنین دلیلی مستلزم این است که بپذیریم که تشکیلات زندانها و بازداشتگاهها که بایستی مراقبت کامل نمایند تا مجرمین، نتوانند فرار اختیار کنند ضعیف عمل نماید. ثالثاً: اینکه حتی اگر وضعیت ندامتگاهها چنین باشد، این دلیلی برای اعدام افراد نمی باشد. زیرا مثل این است که اسرای جنگی را به احتمال اینکه روزی از دست ما بگریزند و به ضرر ما وارد عمل شوند، تیر باران می نماییم (شمس الدین امیر علائی، ۱۳۵۷: ۷۳). سخافت چنین فکری آشکارا می باشد. لذا باید به فکر ترمیم و ارتقاء ضریب امنیتی زندان ها بوده و همچنین دستگاه امنیتی و پلیس را چنان تقویت نماییم که در صورتی که اتفاقاً، مجرمی موفق به فرار گردید، فوراً دستگیر گردد و نهایتاً اینکه اگر ارزشی برای این دلیل قائل شویم. نتیجه منطقی آن این خواهد بود که همیشه بایستی مجازات محکوم به اعدام اجرا گردد و هیچ گاه وی را مورد عفو قرار ندهیم.

اما در مجموع قوانین کشورهای مختلف راه حل های مختلفی برای جایگزین مجازاتی مناسب به جای اعدام در نظر گرفته شده است. بعضی از کشورها که طبقه بندی مجازاتهای آنها بر اساس شدت و ضعف می باشد، بلافاصله مجازات بعد از اعدام را به جای آن اعمال می نمایند. که در برخی از کشورها حبس دائم یا حبس با اعمال ضاقه می باشد. بعضی دیگر از کشورها پس از لغو اعدام به جای آن مجازات دیگری که شدیدتر از حبس دائم می باشد، اعمال می نمایند. مثلاً در فرانسه وقتی مجازات اعدام را در مورد جرائم سیاسی لغو کردند آن را به (تبعید در قلاع مستحکم) تبدیل نمودند (علی آبادی، ۱۳۵۲: ۲۲). اما آنچه عملاً در حقوق کیفری کشورها جانشین اعدام می گردد، مجازات

حبس می باشد که غالباً در مورد جنایات مهم، طولانی ترین مدت آن را مورد حکم قرار می دهند و در کشورهای مختلف به اسامی متفاوتی نامیده می شود: مثلاً در بلژیک به حبس یا اعمال شاقه موسوم است. در ایتالیا ارگاستلو (Ergastolo) نام دارد و در جمهوری فدرال آلمان، اتریش، سوئیس، آرژانتین، دانمارک، فنلاند، نروژ، هلند و سوئد به حبس دائم معروف است (آنسل، ۱۳۶۵: ۷۴). در فرانسه مطابق قانون مجازات مصوب ۱۹۸۱ به جای اعدام، حبس جنایی دائم یا حبس جنایی موقت با درجات ۱۵، ۲۰، ۳۰ ساله جایگزین شده است. در سال های اخیر با اعتراضاتی که نسبت به شدت مجازات حبس دائم صورت گرفته، برخی از کشورها دائمی بودن آن را لغو نموده اند، مثلاً در پرتغال که در سال ۱۸۶۷ حبس دائم را جانشین اعدام کرده بود به موجب فرمان ۶۳۶ اصلاحی سال ۱۹۵۴ حبس از ۲۰ تا ۲۴ سال جانشین اعدام شده است. در کشورهایی چون اروگوئه، برزیل و ونزوئلا نیز چنین تحولی ایجاد گردید (آنسل، ۱۳۶۵: ۷۴). در آمریکا نیز از ایالاتی که آن را حذف نموده اند به جای آن «حبس ابد بدون حق استفاده از عفو یا آزادی مشروط» پیش بینی شده است. هر چند که در بعضی از ایالات محرومیت از حق عفو و آزادی مشروط برای مدت معینی تعیین شده است مثلاً در آلاسکا تا ۳۳ سال در مینه سوتا تا ۳۰ سال.

در کشور ما ایران قبل از پیروزی انقلاب، با توجه به این که قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ مجازات ها را بر حسب شدت و ضعف تقسیم بندی نموده بود. به طوری که در ماده ۸ این قانون مقرر گردیده بود: " مجازات های اصلی جنایت به قرار زیر است: ۱- اعدام ۲- حبس دائم ۳- حبس جنایی درجه یک از ۳ سال تا ۱۵ سال ۴- حبس جنایی درجه دو از ۲ سال تا ۱۰ سال." در صورت وجود جهات مخففه و تصمیم حاکم به عدم صدور حکم اعدام، اصولاً دومین کیفر پس از آنکه حبس دائم بود جایگزین اعدام می گردید. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به تقسیم بندی جرائم بر اساس موازین شرعی به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات اولاً: در سه نوع اول به هیچ عنوان تخفیف وجود ندارد یا باید مجازات کلاً اجرا گردد یا کلاً ساقط گردد، فقط به طور استثنا در قصاص، دیه جایگزین اعدام می شود که آنهم اختیاری و از حقوق اولیاء دم می باشد، ثانیاً: در تعزیرات که اصول کلی حاکم بر کیفیات مخففه و غیره اجرا می گردد. چون وجود اعدام به عنوان مجازات تعزیری محل تردید بوده و قابل بحث می باشد، به طریق اولی بحث از مجازات جایگزین پیش نمی آید.

با مطالعه و بررسی پیرامون متون و نوشته های پراکنده تاریخی - می توان دریافت که اعمال مجازات اعدام در ایران سابقه تاریخی داد. در ایران باستان- مجازات های بدنی بسیار شدیدی از قبیل اعدام، گور کردن، حبس کردن و... متداول بوده است. از زمان رواج دین اسلام در ایران مجازات ها به چهار بخش حدود، قصاص، دیات، تعزیرات تقسیم شد. هر چند که عملاً حکومت های خودکامه این دوران خود را مقید به اصول و مقررات دین نمی دانستند. ولی از آن جایی که غالب مجازات ها به عنوان تعزیر صورت می پذیرفت. قضات حکومت تابع هیچ قاعده و اصلی نبودند و در مواردی که رسیدگی و تعیین تکلیف به آنها واگذار شده بود بر حسب اعتقاد و احساس و یا منافع شخصی خود رأی می دادند و مخالفین حکومت، بزهکاران و افراد خودسر را به مجازات های شدید و هولناک محکوم می نمودند.

در دوران مشروطیت نیز قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ حکمفرما بود، که از قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه اقتباس شده بود. بنابراین خصوصیات و اصول حاکم بر قانون جزای ایران در این دوره بطور کلی بر اساس عقیده و نظریات مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک حقوق جزا استوار بود. هدف این قوانین ارعاب برای باز داشتن و جلوگیری از

ارتکاب جرم بوده است. در این قانون مجازات اعدام نه تنها در جرائم نظامی بلکه در جرائم حقوق عمومی نیز در رأس مجازات ها قرار گرفته بود و در قانون جزای عمومی مصوب ۷ خرداد ۱۳۵۲ نیز مجدداً مورد تأیید و تأکید قرار گرفت (شمس ناتری، ۱۳۷۸: ۷۸). ۲۱۷.

با روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی، نظام جرائم و مجازات ها نیز دگرگون شد. قانون مجازات اسلامی کنونی ۱۳۷۰ که متن بازنگری شده، نخستین قانون پس از انقلاب ۱۳۶۱ است، نیز شرع اسلام را مبنا قرار داده است. و در باب جرم زنا را در موارد (زنا با محارم نسبی، زنا با زن پدر، تکرار زنا، زنا غیر مسلمان با زن مسلمان، زنا به عنف و اکراه)، کیفر لواط، قذف، مساحقه و سرقت در بارهای چهارم و شرب خمر در دفعه سوم و کیفر محاربه و افساد فی الارض را مستوجب اعدام می داند (مهرداد رایجیان اصلی، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان، ۱۳۸۳: ۱۱۶ به نقل از کیال، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

اسلام و مجازات اعدام

شریعت اسلام که در آن مباحث حقوق کیفری، همانند شریعت یهود و مسیحیت وجود دارد از این حکم کلی مستثنی نیست و همواره فقها با تغییر موضوعات نظرات و فتاوی متفاوت ابراز داشته اند و بر این اساس قاطعانه می شود گفت: گرچه احکام اسلامی هرگز قابل تغییر نیست ولی چون موضوعات و برداشتی که بشر، تحت شرایط متفاوت، از موضوعات دارد متغیر است، بتبع چنین تغییراتی، احکام شریعت هم دچار تغییر خواهد شد و عبارت دیگر موضوعی از تحت حکمی خارج و تحت حکم دیگری داخل خواهد گشت و بدین ترتیب حکم ثابت ولی موضوع تغییر می کند گرچه در نگاه نخست بنظر می رسد که حکم تغییر کرده است.

بکار بردن مجازات اسلامی اعدام یا قتل هم با چنین نگرشی در شرایط متفاوت، متفاوت خواهد بود. اما بیش از آن که به چگونگی تغییرات احتمالی اجرای چنین مجازاتی پرداخته شود جا دارد اصل مجازات و جایگاه فعلی آن در حقوق اسلامی بررسی شود.

بی شک در شریعت اسلام برای پاره ای از گناهان یا جبران حقوق اشخاص، قتل تجویز و این امر در قرآن مجید و سنت نبوی و امامی آمده است و به هیچ وجه نمی توان منکر اصل مجازات قتل شد اما مطلب قابل تأمل و بحث این است که بدانیم جهت گیری دین مبین اسلام در اعمال چنین مجازاتی چیست؟ و به عبارت ساده تر آیا اسلام روی خوش به چنین مجازاتی نشان داده است یا نه؟

این نکته قابل ذکر است که بسیاری از سیستمهای حقوقی جهان پاره ای از حقوق یا مجازاتها را در اصل پذیرفته و تجویز کرده اند اما در بکارگیری آنها چندان روی خوش نشان نداده اند. در حقوق اسلامی حق طلاق برای مرد تجویز شده ولی در اعمال آن سرزنشهایی هم از سوی شارع مقدس وارد شده که می رساند چنین حقی اگر چه ثابت است اما اعمال آن خوشایند نیست. همینطور در حدود شرعی که با ایجاد شبهه از بین می رود، چنین محدودیتی در اعمال آنها ملحوظ شده که در پاره ای موارد عملاً اجرای آنها امری محال و غیر ممکن می نماید.

لذا جا دارد بررسی شود که مجازات اعدام یا قتل چگونه است؟ آیا در ردیف بقیه مجازاتها است؟ یا آنکه بکارگیری آن تشویق شده و یکی از راههای مفید برای اصلاح جامعه است و یا اصلاً شارع مقدس اسلام در عین تجویز چنین کیفری روی خوش بدان نموده است؟

حائز اهمیت است که یادآوری شود دین مبین اسلام با بعضی از ناهنجاریها و گناهان سخت به مبارزه برخاسته و بارها و بارها در قرآن مجید و سنت نبوی یا امامی آنها را نکوهیده اما مجازات مرتکبان آنها را موقوف به آخرت کرده است. فی المثل مجازات نفاق را به آخرت موقوف فرموده و هیچ منافقی در جهان اسلام به صرف داشتن نفاق مجازات نشده است. (در سوره المنافقون آمده است که: «منافقان در شهادت به رسالت پیامبر دروغ گویند و پیامبر را از آنان برحذر می دارد.»)

بنابراین اگر بگوییم اسلام نسبت به اعمال مجازاتها نظر متفاوت دارد این سخن منطبق با آیات قرآنی است. در خصوص مجازات قتل یادآور می شود که در شریعت اسلام عمدتا در چهار مورد کشتن دیگران اعم از مسلمانان یا کافر تجویز شده است.

– در جنگ خواه به صورت ابتدائی باشد یا در مقابل باغبان

– در دفاع شخصی، که شخص برای دفاع از خود و حریم خویش ناچار باشد مهاجم را بکشد.

– برای مجازات کیفری

– برای قصاص

بیشترین آیات قرآنی که متضمن تجویز قتل دیگران است در مورد جنگ می باشد. مثل آیه پنجم از سوره نهم «التوبه» که می فرماید: «فاذا انسلكم الا شهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اقمهوا كل مرصد فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزكاه فخلو سبيلهم ان الله غفور رحيم.»

(چون ماههای حرام بسر آمد مشرکان را هر جا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و ایشان را محاصره نمایید و در کمینشان باشید پس اگر توبه کردند و نماز بپا داشتند و زکات دادند رهایشان سازید که خدا آمرزنده و مهربان است.)

و یا آیه ۱۸۹ از سوره دوم «البقره» که می فرماید: « و فاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين لله فان انتهوا فلا عدوان الا على الضالين» (با آنها مقابله کنید تا فتنة نباشد و دین مخصوص خدا باشد اما اگر دست برداشتند تعدی نیست مگر بر ظالمان.)

در خصوص دفاع شخصی در قرآن مجید آیه خاص و نصی وجود ندارد و فقها از عموماً و سنت استفاده کرده و در موارد خاصی قتل مهاجم را تجویز کرده و خون او را هدر دانسته اند. در صورتی که دفاع از مال و نفس و حریم جز با کشتن مهاجم امکان نداشته باشد خون مهاجم هدر خواهد بود (محقق حلی، بی تا، به نقل از جعفری هرندي، ۲۲۷).

برای مورد سوم فقط یک جا در قرآن مجید مجازات اعدام آن هم در ردیف سه مجازات دیگر که حاکم حق انتخاب یکی از آن چهار مجازات را دارد تجویز شده است.

کیفری که کتاب آسمانی مسلمانان یکی از مجازات آن را قتل دانسته «مباربه با خدا و رسول همراه با تلاش برای اجاد فساد در زمین» است که در آیه ۳۷ و ۳۸ از سوره پنجم «المائده» قرآن مجید آمده است.

«أما جزاء الدين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الارض فسادا ان يقتلوا و يصلبوا او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ذلك له خزي في الدنيا و لهم في الآخرة عذاب عظيم الا الذين تابوا من قبل ان تقدروا عليهم فاعملوا ان الله غفور رحيم.»

«همانا مکافات کسانی که با خدا و رسولش محاربه می کنند و تلاش می نمایند تا در زمین فساد نمایند این است که کشته شوند یا به صلیب کشیده شوند یا دستها و پاهایشان برخلاف هم قطع شود یا از آبادی رانده شوند که این مذلت آنان است در دنیا و ایشان را در آخرت عذاب گرانی است.»

(مگر کسانی که توبه کرده باشند پیش از آنکه شما بر آنان دست یازید پس بدانید که خدا آمرزنده و مهربان است.) غیر از این گناه که یکی از چهار مجازات را دارد و حاکم اسلامی می تواند البته با توجه به نوع گناه در محاربه و قول به عدم تخییر مجازات فرق می کند، با نظر خود برای مرتکب برگزیند برای دیگر گناهان در قرآن مجید مجازات قتل تعیین نشده است.

بعنوان نمونه مجازات دزدی در قرآن مجید قطع دست است و مجازات زنا و قذف، زدن تازیانه است و برای شرب خمر (که می دانیم طبق فتوای همه فقها هشتاد تازیانه است) هیچ حدی در قرآن تعیین نشده است. در خصوص قصاص (مورد چهارم) باید گفت که قصاص در واقع مجازات بحساب نمی آید یا باصطلاح فقهی نمی توان آن را حد دانست بلکه «حقی است برای ولی دم» و لذا با شکایت او قاتل تعقیب می شود و با عفو او از مجازات معاف می گردد.

از موارد چهارگانه مذکور آنچه به بحث فعلی مربوط است مورد سوم و چهارم است چون در جهان کنونی همین دو نوع قتل است که گروهی سرسختانه مخالف اجرای آنند و وقتی از «لغو مجازات اعدام» سخن به میان می آید منظور اعدامهایی است که بخاطر قتل دیگران و شکایت اولیاء دم مطرح می شود یا اعدامهایی که نظام های حقوقی برای سرکوب متجاسران و بزهکاران تجویز می نمایند و گر نه قتلی که بر اثر جنگ یا دفاع صورت می گیرد مورد بحث جدی نیست اینک باید دید نظر اسلام یا فرهنگ اسلامی نسبت به این دو نوع قتل چگونه است؟

قصاص حق است نه مجازات

در خصوص قصاص خیلی راحت و روشن از آیات قرآن و سیره پیشوایان دین می توان استفاده کرد که اسلام نظر خوشی به اعمال آن نداشته بلکه توصیه به عدم اجرای آن کرده و به عبارت روشنتر دین اسلام قصاص را حق دانسته اما آن را دوی درد ندانسته بلکه صریحا و به صورت اخلاقی از مسلمانان خواسته که قاتل را ببخشند. صرف نظر از عموامتی که طی آنها مسلمانان به عفو و اغماض فراخوانده شده اند، در خصوص قصاص در قرآن مجید می خوانیم: «یا ای الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل الحرّ بالحرّ و العبد بالعبد و الاثنی بالثنی فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف و اداء له باحسان ذلک تخفیف من ربکم و رحمه فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم» (البقره، ۱۷۸).

(ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما قصاص لازم است در کشتگان که آزاد را در مقابل آزاد و برده را در مقابل برده و زن را در مقابل زن (قصاص کنید) و آنکه از برادر خود عفو می نماید باید (راه) متعارف را پیشه سازد و پرداخت (دیه) هم با احسان همراه باشد.) و در آیه ۳۵ از سوره ۱۷ «اسراء» آمده است: «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا» (و می کشید کسی را که خدا محترم داشته مگر به حق و هر کس مظلومی را بکشد همانا ما قرار داده ایم برای ولی او تسلط پس نباید در کشتن اسراف شود که او همانا یاری شده است.)

و در آیه ۱۲۷ از سوره شانزدهم «النحل» می‌خوانیم: «و ان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خیر للصابرین» (و اگر بر شما ستم شد شما هم به همان مقدار که ستم شده اید ستم کنید و اگر عفو نمایید برای صابران نیک است). جهت گیری این آیات و آیات دیگری هم که در مورد قصاص وارد شده است متوجه ایجاد حق قصاص برای اولیاء دم، آن هم در قالب قانونی (برخلاف آنچه در جاهلیت مرسوم بوده که هر طایفه و قومی به نحوی که خود مایل بود قصاص می‌کرد) و عفو از قاتل است.

عفو و گذشت از قاتل با عبارت روشن و واضح در احادیث مشاهده می‌شود؛ در کتاب وسائل الشیعه باب مخصوصی وجود دارد که در آن احادیثی ذکر شده است مبنی بر مستحب بودن عفو از قصاص و در این باب چند حدیث ذکر شده که در یکی از آن احادیث چنین آمده است: «عن ابی عبدالله علیه السلام قاتل سئله عن قول الله عزّ و جل «فمن تصدّق به فهو كفارة له» فقال یکفر عن ذنوبه بقدر ما کفی»

(راوی گفت از امام پرسیدم در مورد سخن خداوند عزیز و بزرگ که می‌فرماید (کسی که بدان تصدیق دهد پس آن برای او کفاره است)؟ امام فرمود: خداوند بقدری که عفو کند از گناهانش می‌گذرد. (شیخ حر عاملی، ۱۳۹۸، ج ۸۸، ۱۹ به نقل از جعفری هرندی، ۲۲۹). از سوئی چنانکه می‌دانیم پیامبر اسلام قاتل عمومی خود حمزه را بخشید و بزرگان دین هم تا آنجا که کشتن شخص مربوط به حق شخصی خودشان بوده عفو را بر قصاص ترجیح داده‌اند.

اعدام حدّی یا مجازات اعدام

اما در مورد قتل یا اعدامی که بعنوان مجازات یا حد تعیین شده است باید گفت در مجموع، دیدگاه قانونگذار اسلام مبتنی بر عدم اجرا بوده زیرا چنانکه گفته شد فقط در یک مورد، قرآن مجید متعرض مجازات قتل شده و در دیگر موارد عمل مسلمین (اجماع عملی) یا سنت مجازات قتل را برای پاره‌ای از گناهان تعیین کرده است و این موارد عمدتاً به چند گناه محدود می‌شود و اثبات آنها بسیار کم خواهد بود. بعلاوه نحوه‌ی تشریح بازگوکننده این نکته است که شارع مقدس متمایل به اجرای چنین مجازاتی نبوده است.

برای آنکه نظر شارع را در خصوص اجرای قتل در پی رخداد چنین گناهی بدانیم خوب است موارد آن را با توجه به کتب فقهی برشمردیم. عمده مواردی که تقریباً بصورت اجماعی یا شهرت در حد اجماع مجازات گناهکار قتل تعیین شده عبارت است از:

– زنا که شخصی محصن (اعم از زن یا مرد) مرتکب شود. یا کسی که با محارم خود زنا کند (خواه محصن باشد یا نه) یا شخص ذمی که با زن مسلمان زنا نماید یا کسی که زنی را به زنا اجبار نماید (تجاوز به عنف).

– لواط

– محاربه که البته چهار مجازات برای آن تعیین شده و یکی از آنها قتل است و انتخاب یکی از آن چهار مجازات به عهده حاکم است.

– ارتداد

– دشنام دادن به پیامبر

– انجام سحر از سوی مسلمانان

– ادعای نبوت

– ارتکاب عملی که حد داشته و مرتکب سه بار حد خورده و برای بار چهارم باز هم آن عمل را مرتکب شده است. ممکن است در مواردی دیگری هم بعضی از فقها فتوا به قتل داده باشند اما آن فتوی مورد اجماع و مشهور نمی باشد. از موارد هشتمگانه مذکور تنها مورد سوم در قرآن مجید آمده و بقیه موارد به استناد سنت و اجماع مسلمانان مقرر شده است و همانطور که یادآوری شد در خصوص محاربه چهار مجازات در قرآن مجید آمده است که یکی از آنها قتل است.

نظر شارع به مجازات اعدام

بر همین اساس می گوئیم نحوه تشریح مجازات قتل می رساند که شارع مقدس چندان نظر خوشی با مجازات اعدام نداشته و لذا بسیار کم در قرآن مجید که منبع اصلی احکام دینی است چنین مجازاتی تجویز شده است در حالی که پاره ای از گناهان مانند زنا به وفور در زمان نزول وحی رخ داده به طوری که وقتی زنان برای بیعت با پیامبر آمدند یکی از موارد بیعت به تصریح قرآن تعهد به عدم ارتکاب زنا بوده است (حرعاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ۸۸)

انواع اعدام

از نظر حقوق کیفری اسلام، اعدام به سه قسم قابل تقسیم است: اعدام قصاصی، اعدام حدی و اعدام تعزیری. ۱- **اعدام قصاصی:** این اعدام در موارد قتل عمد اجرا می شود و دارای شرایط خاصی است. حضور شاکی خصوصی در آن، به اندازه ای پررنگ است که آن را از قلمرو قواعد آمره خارج می کند. اجازه ولی فقیه و دیگر عوامل نیز در آن مؤثر است.

۲- **اعدام حدی:** با توجه به تعاریف فقها از حد (آیت .. العظمی گلپایگانی ج ۱: ۱۸) ، اعدام حدی را می توان چنین تعریف کرد: (مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدس معین شده و نمی توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد). اعدام حدی بر طبق یک تقسیم بندی این گونه تقسیم می شود: (شمس ناتری، ۱۳۷۸: ۸۴). الف. جرایم جنسی که شامل زنا (زنا محصنه یا زنا با محارم یا تجاوز به عنف یا زنا غیر مسلمان با زن مسلمان) و لواط است.

ب. جرایم علیه دین و امنیت اجتماعی که شامل محاربه و ارتداد است.

ج. جرایم تکرار جرم، همچون اجرای سه حد زنا و تکرار برای بار چهارم که در بار چهارم اعدام می شود و.... (تحریر الوسيله، امام خمینی (ره) ج ۲: ۴۶۴).

۳- **اعدام تعزیری:** (مجازات مرگی که از طرف حاکم معین می شود). بیشتر فقهای شیعه اعتقاد دارند که اصل در تعزیر ما دون حد است؛ ولی برای عدول از این اصل و اجرای مجازات بالاتر از حد می توان به یکی از سه علل زیر استناد کرده، اعدام تعزیری را جایز شمرد. این علل عبارت است از: مصلحت فرد و جامعه ؛ قیام در مقابل افساد فی الارض و نهی از منکر. در میان فقهای اهل سنت نیز اختلاف هست ؛ اما در برخی موارد، اعدام تعزیری را پذیرفته اند (شمس ناتری، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

در مورد اعدام، به ویژه اعدام قصاصی و حدی، مبانی حقوق کیفری اسلام با مبانی حقوق غربی ماهیتا متفاوت است، چرا که در این نوع اعدام ها، قانونگذاری به قانون خدای متعال منحصر است و این بامکاتب حقوقی غربی متفاوت است که انسان را قانونگذار مطلق قرار داده اند. بر اساس مبانی ایدئولوژیک اسلامی، قانون خدا از روی علم و اطلاع کامل و جامعی است که از انسان و محیط پیرامون وی دارد؛ از این رو به گونه ای وضع شده است که تا ابد به تغییر نیاز نداشته باشد. از این رو انسان جز در شرایط و ضوابط پیچیده و دانستن حکمت قطعی وضع قانون خدا، حق تغییر را در قانون خدا ندارد؛ اما قوانین موضوعه بشری، به دلیل اطلاعات ناقص که ناشی از ادراک ناقص بشر از جوانب پیچیده زندگی انسانی است (همچنان که دانشمندان نیز اعتراف کرده اند، انسان موجود ناشناخته است)، با گذشت زمان و ادراکات جدیدی که بشر از جهان پیرامون خود می یابد، تغییر می کند. به همین دلیل روزی به صورت افراطی، به وضع مجازات اعدام، حتی برای جرایمی مثل سقط جنین می پردازد و به همین جرم، زنی را در شربورک فرانسه اعدام می کنند و روزی دیگر به حذف کامل اعدام از جرگه مجازات ها روی می آورد و خطر ناک ترین جانیان را به حال خود وا می گذارد؛ حتی کسی را که بارها مرتکب قتل عمد به شکل های فجیعی شده است، با مجازات حبس ابد پذیرایی می کند.

توجه به عدالت و استحقاق مجرم، یکی از فلسفه های مجازات در اسلام است. حرمت شکنی، کسب منافع نامشروع و از بین بردن احساس امنیت و آسایش در جامعه، ظلم بزرگی است که مجرم در نتیجه ارتکاب جرم انجام می دهد؛ از این رو نظام کیفری اسلام در پی برقراری عدالت و ظلم ستیزی، به مقابله با مجرم می پردازد، تا وضعیت عادلانه پیش از وقوع جرم بار دیگر برقرار گردد. شناخت میزان استحقاق مجرم از لوازم اجرای عدالت کیفری است و این امر، خود به دلیل وجود علل گوناگون در وقوع جرم امری دشوار می نماید و با شناخت ناقص نمی توان، حکمی عادلانه کرد. به همین دلیل نظام های کیفری دنیا نمی توانند، به صورت کامل و قطعی، به اجرای عدالت بپردازند؛ از این رو به ناچار، هر زمان باقوت گرفتن نظریه ای جدید، تغییری جدید در این نظام ها روی می دهد. نواسانات شدید مجازات ها در طول تاریخ بشر، از سخت ترین مجازات ها تا غیر مسئول دانستن انسان و بی رحمی و توحش تلقی کردن مجازات وی، به همین دلیل است. عدالت مورد نظر در قوانین کیفری اسلام، به دلیل ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با اراده تشریحی خدای حکیم، عدالتی واقعی و به دور از هرگونه افراط و تفریط و نشأت گرفته از عدالت مطلقه خدای متعال است (بخش چهارم مصطفی دانش پژوه و قدرت ا... خسرو شاهی، فلسفه حقوق انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره)، فصل چهارم).

ویژگی دیگر نظام کیفری اسلام که موجب می شود، این نظام از دیدگاه سزا دهی صرف فاصله بگیرد، انعطاف پذیر بودن این نظام است، چرا که در چون جرایمی حق الناس به صورت مطلق و در جرایم حق الهی پیش از شهادت شهود یا اقرار، توبه مجرم نقش به سزایی دارد؛ هم چنان که در مجازات های تعزیری نیز توبه و عفو تاثیر گذار است. تاثیر گذار بودن توبه و عفو در مجازات، کارایی خاصی در ویژگی بازدارندگی و تاثیر گذاری مجازات دارد، زیرا مجرمی که واقعا از جرم خود پشیمان شده و در پی جبران بر می آید، بعید است بار دیگر مرتکب جرم شود و همین

ویژگی است که این نظام را با نظریه عدالت ترمیمی نزدیک می کند (طارمی). نقش بزه‌دیده در فرایند و پیامدهای جرم ([http:// moshaverdostan.blogfa.com](http://moshaverdostan.blogfa.com)).

نکته قابل توجه دیگر، متفاوت بودن عدالت در مرحله قانونگذاری و اجراست. تفاوت شرایط خاص مجرمان و نیز اعمال کنندگان مجازات و نیز خطاپذیر بودن راه‌های اثبات جرایم، مهم‌ترین علل عدم تحقق عدالت واقعی است. از طرفی، قرار دادن شرایط سخت در مقام اثبات جرایم، نشان‌دهنده آن است که قانونگذار اسلام خواسته است، مجازات‌های شدیدی چون اعدام، به آسانی اجرا نشود.

عقاید و نظرات دانشمندان و علمای حقوق جزا

ژان ژاک روسو نویسنده بزرگ قرن ۱۸ در کتاب معروف خود *Contrat social* راجع به مجازات اعدام می‌نویسد که افراد اجتماع در ضمن یک قرارداد اجتماعی به منظور تضمین امنیت و آسایش عموم حق سلب حیات خود را به هیئت اجتماع تفویض نموده‌اند بنابراین نمایندگان جامعه مجاز هستند طبق قرارداد مزبور افرادی را که برخلاف اصول قرارداد اجتماعی رفتار کرده‌اند به مجازات اعدام محکوم کنند. نویسنده نامبرده جمیع اصول و ضوابط حقوقی و اجتماعی را از نظر کتاب «قرارداد اجتماعی» که مولود تصورات خیال‌انگیز اوست توجیه نموده و به همین مناسبت مبانی استدلال و نظریه او مورد انتقاد شدید دانشمندان حقوق جنائی قرار گرفته و ضمن تخریش عقاید او راجع به اصل وجود قرارداد اجتماعی نتیجه‌مبنای نظریه او را نیز راجع به مجازات اعدام قبول ندارند.

بکاریا *Beccaria* فیلسوف و عالم بزرگ ایتالیائی و متخصص حقوق جنائی در کتاب معروف خود «مجموعه جرائم و مجازاتها» عقاید ژان ژاک روسو را رد می‌کند و قرارداد قبلی بین افراد و جامعه را دایره تفویض اختیار سلب حیات یک امر واهی و غیرموجه معرفی می‌نماید.

فیلسوف نامبرده که طرفدار یک روش اعتدالی و ارفاق‌آمیز در اجرای مجازات‌ها می‌باشد فقط در مواقع غیرعادی و بروز جنگ و وقوع اغتشاشات بزرگ که اساس حکومت و نظام اجتماعی را تهدید به انهدام می‌کند اجرای مجازات را برای ضمانت نظام عمومی مفید می‌داند ولی در سایر موارد با مجازات مزبور مخالف است.

بین نظریه ژان ژاک روسو و بکاریا از لحاظ نتیجه اختلافی نیست و اعتقاد این هر دو نتیجه آنست که هر گاه جامعه قادر باشد بدون هیچگونه مخاطره جانی را نگهداری کند دیگر اعدام جایز نیست.

لومبروزو و گاروفالو که از جمله قان‌دین مکتب اثباتی حقوق کیفری بشمار می‌روند اعتقاد قطعی دارند که در بی‌مجرمین افرادی یافت می‌شود که با لذات جنایتکار و خطرناکند و هیچ نوع سیاست کیفری برای اصلاح و تہذیب اخلاق و تنبیه و ارعاب نامبردگان مؤثر نیست و جامعه چاره‌ی جز این ندارد که این جنایتکاران خطرناک را از خود دور سازد و بهترین وسیله برای طرد ابدی این افراد و مصونیت هیئت اجتماع اجزای مجازات اعدام است و با توسعه و گسترش این طریقه بتدریج تمام این پارازیت‌ها و عوامل فساد از بیکر جامعه دور خواهد گردید.

نتیجه گیری:

با توجه به اینکه وضعیت اعدام در ایران اصلا مطلوب نیست و اگر قرار بود تمام پرونده هایی که مطابق قانون حکم دارند، منجر به اجرای حکم می شد، سالانه ده ها هزار مورد اعدام داشتیم و اگر جرائمی که مطابق قانون مجازات آنها اعدام است، تماما کشف و رسیدگی شود، این رقم شاید به ارقام بسیار وحشتناکی بالغ می شد و در واقع بخش اعظم این جرائم کشف نمی شود و آنها هم که کشف می شود به ویژه در موارد مخدر با تخفیف مواجه می شود، با وجود این هنوز هم تعداد اعدام ها در ایران بسیار بالاست. گرچه دلایل متعددی برای اعدام ارائه می شود، اما مهم ترین آن، که معمولا و مکررا بیان می شود، نقش بازدارندگی آن است. به عبارت دیگر قانونگذار یا جامعه فکر می کند که با افزایش هزینه ارتکاب جرم، مانع از انجام آن خواهد شد، اما واقعیت چیز دیگری است. مجازات شرط لازم و نه کافی برای شرط جرم است. ضمن اینکه اگر از حد معینی بیشتر شود، ممکن است در برخی موارد نقش بازدارندگی خود را از دست بدهد، به علاوه با افزایش مجازات، در برخی جرائم، منافع ارتکاب جرم هم بیشتر و در نتیجه رغبت به آن افزون تر می شود و از همه اینها گذشته مطالعات تجربی نشان داده است که مجازات اعدام چندان هم مانع از افزایش ارتکاب جرم نیست و مجازات های اجرا شده در زمینه مواد مخدر نمونه روشن آن است. شاید تحریک به افزایش مجازات برای از میان بردن نابسامانی ها در برخی جوامع، راه مناسبی برای ایجاد آرامش خاطر و کسب نظر موافق مردم به سوی خود باشد، اما در واقعیت امر چنین روشی کارآمد نیست. اگر گرانی را نمی توان با مجازات یا کشتن گران فروش از میان برد. قطعا مواد مخدر و زنا و سایر جرائم مستوجب این مجازات را هم نمی توان صرفا با اعدام از میان برد. به نظر می رسد که بازنگری در سیاست جنایی و کیفری موجود نه تنها، امکان پذیر ضروری است و اتفاقا این کار را می توان با رعایت جوانب شرعی و استفاده از اختیارات حکومت به نحو شایسته ای انجام داد و برخی از فتاوی متأخر و گذشته نیز راهشگای آن است. و از طرفی در عین حالیکه در اسلام مجازات اعدام و بطور کلی قصاص را ضامن بقاء و حیات اجتماع دانسته مع الوصف باوضع قانون اخلاقی (عفو) و صرف نظر کردن از حق قصاص در صورت لزوم و اقتضاء مصلحت عالیتری دست اجتماع را در اخذ تصمیمات مقتضی، باز گذارده تا اگر احیانا شرایط ایجاب کرد مثلا حال مجرمی طوری بود که صرف نظر نمودن از اعدام وی او را متنبه و اصلاح و بیماری او را معالجه خواهد کرد او را تبرئه و عفو و باصطلاح، در مجازات وی تخفیف قائل شوند. و از اینجا معلوم می شود که دایره مجازات اعدام در اسلام چون ضمیمه عفو را نیز در بردارد. بنابراین با توجه به دستورات اسلام و ادله مخالفان اعدام می توان از جایگزین همچون تبعید و حبس به جای اعدام استفاده کرد.

فهرست منابع و مآخذ

- امیر علائی، شمس الدین، مجازات اعدام، تهران، دهخدا، ۱۳۵۷
- آنسل، مارک، مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، آگاه، ۱۳۶۵.
- بکاریا، سزار، جرائم و مجازاتها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۸۰.
- جعفری هرندی، محمد(بی تا) نگرشی به مجازات اعدام در اسلام، مجله فقه و مبانی حقوق، شماره ۸.
- حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷)، صص ۴۰-۴۲
- خزاعی، منوچهر، " مجازات اعدام بر اساس کنفرانس بین المللی سیراکیز (ایتالیا)"، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۶۹.
- رایجیان اصلی، مهرداد، " جایگاه کیفر مرگ در جهان"، مجله پژوهش، حقوق و سیاست، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان، ۱۳۸۳.
- شریعت زاده، محمد باقر (بی تا)، بحث و انتقاد راجع به مجازات اعدام، صص ۳۳-۳۲.
- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۵۴
- طارمی، محمد حسین (۱۳۸۶)، کاوشی نو در مجازات اعدام، مجله معرفت، سال شانزدهم، شماره ۱۱۸، مهر ۱۳۸۶.
- علی آبادی، عبدالحسین با همکاری شیرین عبادی، حقوق جنایی، تهران، بانک ملی ایران، ۱۳۵۲.
- کی نیا، مهدی، علوم جنایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵
- کیال، مهرنوش، (۱۳۸۶) مجازات اعدام در اسناد جهانی و تطبیق این مجازات با قوانین ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، استاد راهنما مهریار داشاب.
- محسنی، مرتضی، "مسئولیت کیفری"، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۱۱ و ۱۲، خرداد ۱۳۵۴
- محمد ابراهیم شمس ناتری. بررسی تطبیقی مجازات اعدام. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۷۸.
- مظلومان، رضا، "نظریات ولتر در مورد بزه و کیفر" نامه قضایی، سال یازدهم، شماره ۱۲۱
- میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ دوازدهم، تهران، میزان، ۱۳۷۸.
- وارسته، پیام (۱۳۹۰)، سیاست جنایی ایران در قبال مجازات های سالب حیات " با تأکید بر کودکان و نوجوانان معارض، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، استاد راهنما منصور میر سعیدی.
- هومن، احمد، زندان و زندانیان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹